



تدوین برنامه‌های جامع مدیریت تالاب‌ها با رویکرد مدیریت زیست‌بومی (مطالعه موردی: تالاب‌های پریشان، ارومیه و شادگان)

علی نظری دوست

استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد پرند

علی ارواحی

کارشناس فنی طرح حفاظت از تالاب‌های ایران

محسن سلیمانی روزبهانی

معاون طرح حفاظت از تالاب‌های ایران

چکیده

مدیریت تالاب‌ها بر خلاف سایر بوم‌سازگان‌های طبیعی تا حد قابل ملاحظه‌ای وابسته به شرایط حوضه آبریز و وضعیت فعالیت‌های بالادست می‌باشد. هرگونه فعالیت توسعه‌ای و بهره‌برداری از منابع در حوضه‌های آبریز منتهی به تالاب‌ها، پیامدهای قابل توجهی در تالاب‌های پایین دست خواهد داشت. به همین دلیل تدوین برنامه‌های مدیریت تالاب‌ها باید با رویکردهای فراگیر و در مقیاس حوضه‌ای باشد. مهمترین رویکرد نوینی که می‌تواند پشتوانه تدوین و پیاده‌سازی برنامه‌های مدیریت تالاب‌ها در این مقیاس باشد رویکرد مدیریت زیست‌بومی است. طرح حفاظت از تالاب‌های ایران با به‌کارگیری رویکرد مدیریت زیست‌بومی طی فرآیندی کاملاً مشارکتی در سطح حوضه آبریز و با همکاری کلیه ذینفعان از سطوح محلی تا ملی نسبت به تدوین برنامه‌های مدیریت جامع سه تالاب پریشان، دریاچه ارومیه و شادگان اقدام نموده است. بکارگیری این رویکرد زمینه مناسبی را برای همگرایی کلیه ذینفعان در فرآیند مدیریت تالاب‌های یاد شده فراهم آورده است. در نتیجه علاوه بر تصویب فرابخشی این برنامه‌های مدیریتی در هیئت محترم دولت به عنوان بالاترین مرجع فرابخشی، عملیاتی شدن پروژه‌های اجرایی برنامه‌مدیریت توسط مراجع مختلف آغاز گردیده است. بدیهی است که این رویکرد در مدیریت مناطق حفاظت شده تالابی رهیافت نوینی است که نهادینه شدن آن در مجموعه سازمان حفاظت محیط‌زیست و توسعه در سایر تالاب‌ها نقش مهمی در پایداری این زیست‌بوم‌های ارزشمند خواهد داشت. مقاله حاضر ضمن مرور مبانی روش‌شناسی، تجربه طرح حفاظت از تالاب‌های ایران در سه تالاب ارومیه، پریشان و شادگان را ارائه می‌دهد.

واژه‌های کلیدی: مدیریت جامع، مدیریت زیست‌بومی، دریاچه ارومیه، تالاب پریشان، تالاب شادگان، ذینفعان

مقدمه

زیستگاه‌های تالابی یکی از پراهمیت‌ترین بوم‌سازگان‌های طبیعی کره زمین هستند که در اغلب برنامه‌ریزی‌هایی که توسط انسان برای توسعه صورت گرفته است نقش و اهمیت آنها در نظر گرفته نشده است. برنامه‌های توسعه‌ای که بصورت بخشی و به دور از یک نگاه جامع‌نگر تدوین و اجرایی شده‌اند خسارت‌های جبران ناپذیری را به تالاب‌ها وارد کرده و اقدامات حفاظتی دستگانه‌های متولی که عمدتاً ناشی از همین نگاه بخشی و به دور از فضای تعامل با سایر ذینفعان بوده است نیز نتوانسته مانع از این روند تخریبی در بسیاری از کشورهای دنیا از جمله ایران باشد. ایران دارای تعداد زیاد و انواع گوناگون از تالاب‌ها است که اهمیت آنها در زمینه تنوع زیستی در جهان کم نظیر و در خاورمیانه بی‌بدیل می‌باشد. این اهمیت برخاسته از محصولات، عملکرد و خدمات طبیعی است که تالاب‌ها فراهم می‌کنند و این در حالیست که در مقایسه با سایر بوم‌سازگان‌های طبیعی و سایر کاربری‌های ممکن، ارزش این تالاب‌ها نسبت به بخشی از قلمرو کشور که اشغال کرده‌اند، بسیار بیشتر می‌باشد.

اما با وجود ویژگی‌های این بوم‌سازگان‌های منحصر به فرد، اهمیت تالاب‌ها در اقتصاد و کیفیت زندگی مردم مورد توجه کافی قرار نگرفته است و تالاب‌های ایران در حال تخریب بوده که این آسیب‌ها منجر به از دست رفتن پرشتاب تنوع زیستی با اهمیت جهانی و نیز کاهش فرصت جوامع محلی و جامعه ایرانی برای امرار معاش پایدار و حفظ منابع برای نسل‌های آینده شده است. مهمترین دلایل چنین تخریبی شامل موارد زیر می‌باشد:

- تغییرات بیلان آبی، شامل تأثیرات تغییر آب و هوا
- تغییر کاربری زیستگاه‌های تالابی به ویژه برای کشاورزی و زیرساخت‌ها
- آلودگی
- تخریب حوضه آبریز
- بهره‌برداری ناپایدار (شکار، ماهیگیری، چرای دام و ...)
- گونه‌های مهاجم غیربومی

با بررسی دلایل اصلی تخریب تالاب‌ها موضوع توسعه ناپایدار، خلا یک نگاه جامع‌نگر و عدم هماهنگی بین دستگانه‌های متولی امر توسعه، به خوبی نمایان می‌گردد.

این در حالی است که ساختار کنونی و رویکردهای سنتی موجود برای مدیریت تالاب قادر نیست به نحو مطلوب نیازهای مردم محلی و نیز فعالیت‌های مخربی که در پیرامون منطقه تالاب در جریان است را مورد توجه قرار داده و کنترل و اداره نماید. باتوجه به اهمیت، ویژگی‌ها و شرایط اکولوژیک خاص تالاب‌ها در طول سال‌های گذشته اقدامات متعددی از سوی دستگانه‌های ذیربط دولتی و غیردولتی در سطوح ملی و محلی به منظور کاهش روند تخریب و یا حتی احیا تالاب‌ها صورت پذیرفته است که عمده این تلاش‌ها معمولاً بصورت بخشی و یا حتی موازی با فعالیت‌های سایر دستگانه‌های ذیربط بوده است. این موضوع همواره لزوم ایجاد یک برنامه جامع و ایجاد ساختارهای هماهنگی و بین‌بخشی و اختصاص منابع مالی همگرا و هماهنگ به منظور مدیریت هر یک از بوم‌سازگان‌های تالابی کشور را نشان می‌دهد.

در همین راستا سازمان حفاظت محیط زیست با همکاری نهادهای بین‌المللی مرتبط تلاش کرده است در قالب طرح حفاظت از تالاب‌های ایران رویکرد مشارکتی و جامع‌نگری را با عنوان "رویکرد زیست بومی"¹ برای مدیریت پایدار تالاب‌های کشور محک بزند تا با در نظر گرفتن نقش ذینفعان اصلی و فراهم کردن بستر مناسب برای مشارکت آنها در فرایند مدیریت جامع تالاب‌ها، نقش موثری را در برنامه‌ریزی و توسعه پایدار در حاشیه تالاب‌ها ایفا نماید. در نتیجه این تلاش‌ها برنامه‌های جامع مدیریت برای سه تالاب نمونه کشور (دریاچه ارومیه، تالاب‌های پریشان و شادگان) تدوین شده است که هدف از تدوین این برنامه ایجاد یک چارچوب واحد برای برنامه‌ریزی و اقدام نهادهای ملی و استانی ذیربط در سطح حوضه آبریز، با در نظر گرفتن مبانی مدیریت زیست‌بومی می‌باشد. بدیهی است که این رویکرد در مدیریت مناطق حفاظت شده تالابی رهیافت نوینی است که نهادینه شدن آن در مجموعه سازمان حفاظت محیط‌زیست و توسعه در سایر تالاب‌ها نقش مهمی در پایداری این زیست‌بوم‌های ارزشمند خواهد داشت. مقاله حاضر ضمن مرور مبانی روش‌شناسی، تجربه طرح حفاظت از تالاب‌های ایران در سه تالاب ارومیه، پریشان و شادگان را ارائه می‌دهد.

¹ Ecosystem approach

مواد و روش‌ها

این مقاله حاصل یک فرایند اجرایی سه ساله می‌باشد که در برگزیده عملیات‌های مختلف مطالعاتی و میدانی بوده است. تدوین این برنامه‌های مدیریتی بر مبنای رویکرد زیست‌بومی بوده است. مدیریت زیست‌بومی رویکرد حفاظتی پیشرفته‌ای است که در آن حفظ محیط‌زیست با به رسمیت شناختن بهره‌برداری‌های معقول اقتصادی، در نظر گرفتن نقش انسان و به‌ویژه جوامع محلی به‌عنوان بخشی از زیست‌بوم‌ها و همچنین در نظر گرفتن ارتباط بین اجزاء مختلف منابع طبیعی و محیط زیست در سطوح فراتر از مرزهای ظاهری زیست‌بوم‌ها و غالباً در سطح حوضه آبخیز عملی می‌گردد. این رویکرد در هفتمین کنفرانس کشورهای عضو کنوانسیون تنوع زیستی^۲ مورد تأیید قرار گرفته و راهنماهای اجرایی مرتبط برای آن تدوین گردیده است. رویکرد مدیریت زیست‌بومی دارای ۱۲ اصل می‌باشد که در پیاده‌سازی آن برای تدوین برنامه‌های مدیریتی باید مدنظر قرار گیرد. خلاصه این اصول که در تدوین برنامه‌های مدیریتی مدنظر قرار گرفته‌اند به شرح ذیل می‌باشند:

۱. اهداف مدیریت زمین، آب و منابع زیستی مسئله انتخاب اجتماعی است.

۲. مدیریت باید به کوچکترین سطوح امکان پذیر تمرکززدایی شود.

۳. باید اثرات بالقوه و بالفعل فعالیت‌های مدیریتی بر بوم‌سازگان‌های مجاور و سایر بوم‌سازگان‌ها در نظر گرفته شود.

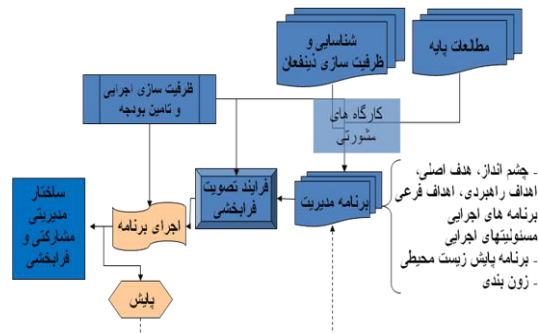
۴. با در نظر گرفتن منافع حاصل از مدیریت، مدیران باید بوم‌سازگان را از دیدگاه اقتصادی درک نموده و مدیریت نمایند. جنبه‌های اقتصادی مدیریت زیست بومی یکی از موارد با اهمیتی می‌باشند که در مدیریت‌های سنتی چندان مدنظر نبوده‌اند به همین دلیل این اصل در سه معیار اصلی تشریح می‌گردد:

۱. کاهش فعالیت‌های اقتصادی که بر تنوع زیستی اثرات سوء دارند.
۲. هدایت فعالیت‌ها در راستای ارتقا حفاظت تنوع زیستی و بهره برداری پایدار
۳. تا حد امکان داخلی نمودن هزینه‌ها و منافع در بوم‌سازگان
۵. حفاظت از ساختار و کارکردهای بوم‌سازگان به منظور بقاء خدمات بوم‌سازگان باید یکی از اهداف اولویت دار مدیریت بوم‌سازگانی باشد.
۶. بوم‌سازگان‌ها باید در محدوده‌های کارکردهای خود مدیریت شوند.
۷. مدیریت بوم‌سازگانی باید در مقیاس متناسب فضایی و زمانی صورت پذیرد.
۸. ضمن در نظر گرفتن مقیاس‌های موقتی و اثرات کوچکی که شکل دهنده فرایندهای بوم‌سازگان هستند، اهداف مدیریت بوم‌سازگانی باید به صورت بلند مدت تنظیم گردد.
۹. مدیریت باید در نظر داشته باشد که تغییرات قابل پیش بینی هستند.
۱۰. برقراری تعادل مناسب و تلفیق حفاظت و بهره برداری از تنوع زیستی مدنظر است.
۱۱. مدیریت بوم‌سازگانی باید کلیه اشکال اطلاعات مرتبط شامل علمی، بومی و دانش و همچنین نوآوری‌ها و تجار را در نظر بگیرد.

² Convention of Biodiversity COP7

۱۲. مدیریت بوم‌سازگانی باید کلیه بخشها، جوامع و مراجع علمی را درگیر برنامه نماید.

براساس این اصول مدیریت زیست‌بومی تدوین برنامه‌های مدیریتی طی یک فرایند مشارکتی با درگیر نمودن کلیه ذینفعان اعم از دولتی و غیردولتی و بویژه جوامع محلی و با صرف زمان لازم صورت پذیرفته است. شکل زیر خلاصه فرایند اجرایی تدوین برنامه‌های مدیریتی براساس رویکرد زیست‌بومی را نمایش می‌دهد.



شکل ۱- فرایند تدوین برنامه‌های مدیریت

زیست‌بومی سایت‌های مطالعاتی

همان‌گونه که قبلاً توضیح داده شد این مراحل طی یک فرایند مشارکتی و زمان‌بر اجرایی گردیده است. برای تدوین هر یک از برنامه‌های مدیریتی حداقل سه کارگاه مشورتی برنامه‌ریزی برگزار گردیده و نتایج هر مرحله به صورت یک پیش‌نویس برنامه مدیریت جهت نظردهی به ذینفعان مرتبط ارسال گردیده است و پس از کسب نظرات، ویرایش جدیدی از برنامه مدیریت تهیه شده است. به‌علاوه در بعضی موارد برای هر بخش فنی برنامه‌مدیریت نیز کارگاه‌(های) جداگانه‌ای برگزار گردیده است که از جمله می‌توان به کارگاه‌های تخصصی برگزار شده برای زون‌بندی و پایش اشاره نمود.

نتایج و بحث

تدوین برنامه‌های مدیریت جامع تالاب‌های پریشان، ارومیه و شادگان: همانطور که در روش کار توضیح داده شد برنامه‌های مدیریت جامع حوضه آبخیز دریاچه ارومیه، تالاب پریشان و تالاب شادگان طی یک فرایند مشارکتی و پس از انجام رایزنی‌های لازم و چند دوره نظرخواهی در سطوح محلی، استانی، حوضه‌ای و ملی تدوین گردیده است. بدین منظور در فاز نخست تلاش

گردید ضمن ارتقای آگاهی و ظرفیت‌سازی نزد کلیه ذینفعان/ دست اندرکاران تالاب‌های فوق زمینه جلب مشارکت آنان در فرایند تدوین و اجرای برنامه‌های مدیریتی فراهم گردد. اهم فعالیت‌های انجام گرفته در فاز نخست این فرایند عبارت است از:

- جمع‌آوری آمار، اطلاعات و گزارش‌های پایه در زمینه‌های هیدرولوژی، اقتصادی- اجتماعی، اقلیم و تنوع زیستی. همچنین شناسایی خلاءهای اطلاعاتی و برنامه‌ریزی جهت برطرف نمودن آن.
- انجام تحقیق و مطالعات شامل تحلیل ذینفعان، ترتیبات نهادی و سازمانی، ارزیابی سریع مشارکتی و ارزیابی مشارکت محلی.
- برنامه‌ریزی و اجرای برنامه‌های هدفمند جهت آگاهی‌رسانی و حساس‌سازی گروه‌های مخاطب و ذینفع تالاب‌ها
- ظرفیت‌سازی و ارتقای دانش گروه‌های هدف شامل کارشناسان دولتی، سازمان‌های مردم‌نهاد و جوامع محلی در قالب برگزاری کارگاه‌های آموزشی و دوره‌های آموزشی

در ادامه این فرایند فازهای بعدی برنامه‌ریزی مدیریتی که شامل تدوین، تصویب، اجرا و پایش خواهد بود در دستور کار قرار گرفت و متعاقباً به انجام رسید. جدول (۱) حاوی برنامه زمانی فعالیت‌های انجام گرفته در قالب فرایند برنامه‌ریزی مدیریتی در حوضه دریاچه ارومیه، تالاب پریشان و تالاب شادگان می‌باشد. لازم به توضیح است که محتوی جدول (۱) با توجه به انجام برنامه‌های مقدماتی شامل ارتقای آگاهی، ظرفیت‌سازی و جلب مشارکت ذینفعان/ دست اندرکاران تالاب‌ها پیش از آغاز تدوین برنامه‌های جامع مدیریت دریاچه ارومیه، تالاب پریشان و تالاب شادگان و یا همزمان با آن طراحی گردیده است.

جدول ۱- برنامه زمانی فعالیت‌های انجام گرفته در قالب فرایند برنامه‌ریزی مدیریتی (دریاچه ارومیه، دریاچه پریشان و تالاب شادگان)

در این بخش به‌عنوان نمونه ساختار محتوایی طرح مدیریت جامع تالاب پریشان در قالب جدول (۲) ارائه گردیده است و نکته قابل ذکر در این خصوص، اینکه طراحی محتوی طرح های مدیریتی کاملاً بسته به شرایط، مشکلات و راهکارهای پیش بینی شده برای هر یک از تالابها و بر اساس نقطه‌نظرات مطرح شده توسط کلیه دست اندرکاران و ذینفعان تالابها طراحی گردیده است. به‌عنوان مثال برنامه مدیریت جامع دریاچه ارومیه شامل سه راهبرد اصلی مدیریت آب، مدیریت تنوع زیستی و ارتقای آگاهی عمومی بوده و برنامه جامع مدیریت تالاب شادگان شامل چهار راهبرد اصلی مدیریت آب، مدیریت تنوع زیستی، ارتقای آگاهی عمومی و ارتقای معیشت جوامع بومی می باشد.

جدول ۲- ساختار محتوایی طرح مدیریت جامع تالاب

پریشان

چشم انداز مدیریت تالاب:				
در ۲۵ سال آینده، دریاچه پریشان دارای تنوع زیستی غنی، مناظر طبیعی زیبا و آب سالم بوده و بتواند در خدمت سلامت، معیشت و رفاه جوامع محلی باشد.				
هدف اصلی:				
کاربرد رویکرد اکوسیستمی برای احیا و پایدارسازی دریاچه پریشان برای استفاده جوامع کنونی و نسل های آینده				
اهداف راهبردی				
۱. احیا، بهبود و حفاظت از ارزشهای تنوع زیستی دریاچه	۲. بهبود شرایط تامین و ارتقای کیفیت آب برای حفاظت از ارزشهای دریاچه	۳. بهبود کاربری اراضی اطراف دریاچه	۴. ارتقاء منابع و ترویج شیوه های صحیح بهره برداری از منابع دریاچه	۵. بالا بردن سطح آگاهی عمومی و گسترش امکانات و فرصتها برای وضع زندگی روستائیان و آموزش
اقدامات اولویت دار	اقدامات اولویت دار	اقدامات اولویت دار	اقدامات اولویت دار	اقدامات اولویت دار

تهیه برنامه زون‌بندی تالاب‌های پریشان، ارومیه و شادگان؛ مدیریت فعالیتهای انسانی از طریق زون‌بندی و دستورالعمل‌های مربوطه یک عنصر اساسی برنامه مدیریت هر تالابی جهت دستیابی به چشم‌انداز بلندمدت و بهره‌برداری خردمندانه از آن خواهد بود. از آنجا که زون‌بندی تاثیر مستقیم بر طیف متنوعی از بهره‌برداران تالاب خواهد داشت، لازم است که بستر لازم جهت

تالاب شادگان	دریاچه ارومیه	دریاچه پریشان
تدوین برنامه مدیریت (۱۳۸۷ الی ۱۳۸۹)	تدوین برنامه مدیریت (۱۳۸۶ الی ۱۳۸۸)	تدوین برنامه مدیریت (۱۳۸۶ الی ۱۳۸۸)
تهیه برنامه زون بندی (۱۳۸۹)	تهیه برنامه زون بندی (۱۳۸۸)	تهیه برنامه زون بندی (۱۳۸۸)
تصویب و ابلاغ برنامه مدیریت توسط شورای برنامه ریزی استانداری خوزستان (دیماه ۱۳۸۹)	تهیه برنامه پایش (۱۳۸۸)	تهیه برنامه پایش (۱۳۸۸)
تهیه برنامه پایش (۱۳۹۰)	امضای سند تفاهم نامه اجرای برنامه مدیریت (۱۳۸۷)	تصویب برنامه مدیریت توسط هیئت دولت (اردیبهشت ۱۳۸۸)
تشکیل کمیته مدیریت محلی تالاب شادگان (خرداد ۱۳۹۰)	تشکیل کمیته مدیریت دریاچه ارومیه (فروردین ۱۳۸۹)	تشکیل کمیته مدیریت محلی تالاب پریشان (آبانماه ۱۳۸۸)
تشکیل شورای منطقه مدیریت دریاچه ارومیه (مرداد ۱۳۹۰)	تشکیل شورای منطقه مدیریت دریاچه ارومیه (مرداد ۱۳۹۰)	تشکیل شورای منطقه مدیریت دریاچه ارومیه (مرداد ۱۳۹۰)

چارچوب و محتوی برنامه های مدیریت جامع دریاچه ارومیه، تالاب پریشان و تالاب شادگان شامل سرفصل‌های اصلی زیر می‌باشد:

- ۱- روش و مدل تدوین برنامه و فرآیند تدوین طرح مدیریت،
- ۲- خلاصه ویژگی‌های تالاب شامل (مشخصات فیزیکی، محیط زیست طبیعی، محیط زیست انسانی و ساختار اداری، ارزش‌ها و تهدیدات)،
- ۳- بررسی گروه‌های ذینفع و ذریبط،
- ۴- طرح مدیریت شامل (رویکرد، چشم انداز، هدف اصلی، اهداف راهبردی و اقدامات اولویت دار اجرایی)،
- ۵- ساز و کار تصویب طرح، ضمانت‌های اجرایی و تامین منابع مالی،
- ۶- ساختار سازمانی مدیریت تالاب شامل ترکیب اعضا، مسئولیت‌ها و شرح وظایف،
- ۷- برنامه پایش تالاب
- ۸- پهنه بندی حساسیت زیستگاه‌های تالاب، کاربری‌های آبی و ضوابط اجرایی.

مشارکت ذینفعان در طراحی، اجرا و انجام زون‌بندی ایجاد گردد.

بدین منظور ضمن انجام فرآیند برنامه‌ریزی مدیریتی در تالاب‌های پریشان، ارومیه و شادگان تلاش گردید بطور جداگانه و در اقدامی تکمیلی زون‌بندی تالاب‌های یاد شده با مشارکت کلیه دست‌اندرکاران و ضمن بهره‌گیری از اطلاعات پایه تالاب‌ها، تجربیات کارشناسی و دانش بومی صورت پذیرد. بطور کلی گام‌های اصلی این فرآیند شامل ۱- بررسی حساسیت پهنه‌های مختلف تالاب‌ها نسبت به کاربری‌های انسانی، ۲- بررسی کاربری‌های موجود و فعالیت‌های مجاز در پهنه‌های مختلف تالاب و ۳- پیش‌بینی کاربری‌های آتی و تدوین ضوابط اجرای زون بندی و بهره‌برداری پایدار و خردمندانه از تالاب می باشد. لازم به ذکر است، ضمانت اجرایی مورد نیاز برای زون‌بندی تالاب‌های فوق از طریق ارائه نتایج بدست آمده از این فرآیند در قالب برنامه‌های مدیریت جامع دریاچه پریشان، تالاب شادگان و دریاچه ارومیه و مسئولیت یافتن ساختارهای مدیریت فرابخشی این تالاب‌ها تامین گردیده است.

تهیه برنامه پیش تالاب‌های پریشان، ارومیه و شادگان: تدوین و تهیه برنامه‌های پیش به منظور بررسی و ارزیابی منظم وضعیت موجود و در راستای بروز رسانی اطلاعات و تشکیل بانک اطلاعاتی با هدف ارائه اطلاعات دقیق به کلیه ذینفعان و تقویت فرآیند تصمیم‌گیری توسط مدیران و کارشناسان نهادهای ذینفع تالاب در دستور کار قرار گرفت. بدین‌منظور برنامه و پروتکل‌های پیش در حوضه تالاب‌های پریشان، ارومیه و شادگان ضمن برگزاری کارگاه‌های مشورتی با مشارکت کلیه ذینفعان در سه محور اصلی شامل ۱- آب، ۲- تنوع زیستی و ۳- اقتصادی و اجتماعی، تدوین گردیده است. در ادامه نیز اجرای برنامه‌های پیش به عنوان یکی از ضمام برنامه‌های مدیریت جامع تالاب‌های پریشان، ارومیه و شادگان به کلیه ذینفعان تالاب‌های فوق ابلاغ گردید. نکته قابل تامل اینکه برنامه‌های پیش نیز بسته به شرایط اکولوژیک، ارزش‌های تنوع زیستی، بهره برداری‌های ناپایدار، مشکلات و چالش‌های هر تالاب طراحی، تدوین و به مرحله اجرا گذارده خواهد شد و لزوماً این برنامه‌ها در تالاب‌های مختلف یکسان نخواهند بود. در این خصوص به‌عنوان نمونه نتایج محتوایی و پارامترهای پیش برنامه مدیریت جامع دریاچه ارومیه در قالب جدول (۳) ارائه می گردد.

جدول ۳- ویژگی‌های مورد پایش در برنامه مدیریت جامع دریاچه ارومیه

آب	اقتصادی و اجتماعی	تنوع زیستی
کیفیت آب: رودخانه ها، آب های	گردشگری	آرمیا
زیرزمینی، دریاچه، تالاب های		فلامینگو
اقلاری، مصارف آب کشاورزی	معیشت جوامع محلی اطراف	پلیکان
کمیت آب: رودخانه ها، آب های	تالاب ها	قوچ و میش
زیرزمینی، دریاچه، تالاب های	مشارکت و افزایش آگاهی	گوزن زرد
اقلاری	رسانی عمومی	رودخانه ها
نیاز به آب/ استفاده در کشاورزی		تالاب های اقلاری

تصویب برنامه‌های مدیریت جامع تالاب‌های پریشان، ارومیه و شادگان: موضوع تصویب برنامه‌های مدیریتی پس از طی کردن مراحل تدوین برنامه‌های مدیریت جامع تالاب پریشان، ارومیه و شادگان با مشارکت جوامع محلی و سازمان‌های ذیربط دولتی و غیردولتی در دستور کار قرار گرفت و در ادامه این برنامه‌ها با پی‌گیری‌های انجام شده در بالاترین سطوح ملی و استانی به تصویب رسید.

- برنامه مدیریت جامع حوضه آبخیز دریاچه ارومیه با همکاری ذینفعان در حوضه آبخیز (آذربایجان غربی، آذربایجان شرقی و کردستان) و در راستای تحقق بند الف ماده ۶۷ قانون برنامه چهارم توسعه کشور تدوین گردید. اجرای این برنامه در مهرماه سال ۱۳۸۷ در قالب یک موافقتنامه بین ریاست سازمان حفاظت محیط‌زیست و وزرای نیرو و جهاد کشاورزی و استانداران آذربایجان غربی، آذربایجان شرقی و کردستان تایید شد و پس از آن نیز در فروردین ماه سال ۱۳۸۹ به تصویب هیئت وزیران رسید.
- برنامه مدیریت جامع تالاب پریشان نیز پس از طی فرآیند ذکر شده در سفر استانی هیات دولت در تاریخ اردیبهشت ماه ۱۳۸۸ به تصویب رسید و جهت اجراء به استانداری فارس ابلاغ گردید. متعاقباً شورای برنامه‌ریزی استانداری فارس نیز نسبت به ابلاغ برنامه و فراهم‌آوردن زمینه تشکیل ساختارهای مدیریتی اقدام نمود. در ادامه تفاهم‌نامه اجرای برنامه مدیریت تالاب پریشان توسط معاون برنامه ریزی استانداری فارس، فرماندار کازرون، معاون محیط طبیعی اداره کل

محیط زیست فارس و نمایندگان سازمان های مردم نهاد و جوامع محلی به امضا رسید.

● برنامه مدیریت جامع تالاب شادگان پس از تهیه، در دی ماه ۱۳۸۹ در شورای برنامه ریزی استانداری خوزستان تصویب و برای اجرا به کلیه دستگاه های دولتی در سطح استان ابلاغ گردیده است.

ایجاد ساختارهای بین بخشی برای اجرای برنامه-

های مدیریت: به منظور اجرایی شدن برنامه های مدیریت جامع، پس از ظرفیت سازی مناسب، ساختارهای مدیریتی فرابخشی در سطوح محلی، استانی و ملی با توجه به گستردگی هر یک از تالابها شکل گرفته است. به منظور حمایت فنی از این ساختارهای مدیریتی کارگروه های تخصصی با عناوین مدیریت پایدار منابع آب و کشاورزی، تنوع زیستی و مشارکت مردمی و آگاهی رسانی در هر یک از سایتها شکل گرفته است. مهمترین اقدامات انجام شده در این بخش به شرح زیر می باشد:

○ ستاد اجرایی مدیریت دریاچه ارومیه در سطح ملی با ریاست معاون اول رئیس جمهور، دبیری ریاست سازمان حفاظت محیط زیست و عضویت معاون برنامه ریزی و نظارت راهبردی، وزرای نیرو، جهاد کشاورزی، کشور و مسکن و شهرسازی و استانداران سه استان آذربایجان غربی، آذربایجان شرقی و کردستان با اختیارات هیات وزیران به منظور اجرایی کردن برنامه مدیریت جامع حوضه آبخیز دریاچه ارومیه تشکیل گردیده است. در سطح حوضه نیز شورای منطقه ای مدیریت حوضه آبخیز دریاچه ارومیه متشکل از استانداران و مدیران ارشد استانی سازمان های مرتبط با اجرای برنامه مدیریت جامع از سه استان واقع در حوضه آغاز به کار نموده است.

○ کمیته محلی مدیریت دریاچه پریشان با ریاست فرماندار کازرون، بصورت یک ساختار فرابخشی و با حضور کلیه ارگان های محلی ذیربط و نمایندگان جامعه محلی و سازمان های غیر دولتی می باشد. در سطح استانی نیز کارگروه آب و کشاورزی شورای برنامه ریزی استان به عنوان کمیته هماهنگی استانی اجرای برنامه مدیریت را

بر عهده گرفته و امور کارشناسی مربوطه نیز در قالب کمیته فنی تشکیل شده در استان پیگیری می شود.

○ کمیته استانی مدیریت تالاب شادگان تشکیل و ضمن صدور ابلاغ برای اعضاء از سوی استاندار خوزستان تشکیل گردیده است. همچنین پیرو ابلاغ صادره از سوی استاندار خوزستان برای فرماندار شهرستان شادگان، کمیته محلی مدیریت تالاب شادگان نیز تشکیل و آغاز به کار نموده اولین است.

لازم به توضیح است که این ساختارها بطور کلی دارای سه سطح اصلی می باشد که متناسب با شرایط هر یک از تالابها منجر به ایجاد سازوکارهای سازمانی متفاوتی گردیده است. اولین سطح ساختارهای سازمانی ذکر شده بالاترین سطح سازمانی است که نقش راهبردی اصلی و تصمیم گیری های کلان و ستادی مربوط به تالابها را داراست. در این رابطه با توجه به موقعیت جغرافیایی هر تالاب و ویژگی های اقتصادی اجتماعی مربوطه به ویژه تقسیمات کشوری، ساختارهای مختلفی در این سطح ارائه گردیده است. در مورد دریاچه ارومیه که بین سه استان مشترک است و تصمیم گیری های کلان مدیریتی باید در سطح سازمانی بالاتر از استان انجام گردد ستاد ملی با ریاست معاون اول رئیس جمهور و وزرای ذیربط و ریاست سازمان حفاظت محیط زیست شکل گرفته است که شرح مربوطه در بخش قبل ارائه گردیده است. این در حالیست که در مورد تالاب های پریشان و شادگان به دلیل اینکه در داخل یک استان قرار گرفته اند بالاترین لایه مدیریتی در سطح استانی و به ریاست استاندار پیش-بینی گردیده است. البته در صورت امکان، تشکیل یک ستاد ملی تالابها در سطحی که برای دریاچه ارومیه پیش بینی شده بهترین حالت می باشد که فرآیند مربوطه در طرح حفاظت از تالاب های کشور و سازمان حفاظت محیط زیست در حال پیگیری است ولی در حال حاضر بالاترین سطح ساختار سازمانی تشکیل شده برای این تالابها در حد استانی است.

دومین لایه مدیریتی که در کلیه سایت های مورد اقدام یعنی دریاچه ارومیه و تالاب های پریشان و شادگان وجود دارد کمیته فنی استانی است که در واقع نقش بررسی های فنی و کارشناسی لازم برای عملیاتی شدن برنامه هایی که باید در کمیته مدیریتی تصویب و اجرایی شوند را به عهده

دارد. این کمیته علاوه بر نقش فنی و تخصصی دارای ماهیت فرابخشی نیز می‌باشد که بتواند کلیه مباحث مرتبط با مدیریت تالاب‌ها را پوشش دهد.

سومین لایه مدیریت در سطح مدیریت محلی پیش‌بینی گردیده است. این سطح به‌ویژه در مورد تالاب‌های پریشان و شادگان به دلیل ارتباط مستقیم این دو تالاب با جوامع محلی و روستایی که نقش موثری دارند، بیشتر تقویت نموده است. در این بخش کلیه جنبه‌های اجرایی و جزئیات مدیریتی تالاب‌ها مورد هماهنگی و پیگیری و اجرا قرار می‌گیرد. در این لایه نقش جوامع محلی و سازمان‌های مردم‌نهاد بسیار پر رنگ است و کلیه ذینفعان دولتی و غیر دولتی که در سطح محلی با مدیریت تالاب در ارتباط هستند حضور دارند.

همان‌گونه که محتوی این مقاله نشان می‌دهد، برنامه مدیریت یک نسخه واحد نبوده که بتوان تجربیات بدست آمده در یک تالاب را بدون در نظر گرفتن تفاوت‌های موجود در مشخصات طبیعی، اقتصادی-اجتماعی، زیستی، فیزیکی و منابع آبی آن و همچنین تعارض‌ها، چالش‌ها و مشکلات پیش روی تالاب، برای بوم‌سازگان‌های تالابی دیگر در کشور تعمیم داد. لذا تنها می‌توان با مطالعه تجربیات بدست آمده ضمن الگوبرداری از روش بکار رفته و نوع رویکردی که پایه انجام فعالیت‌ها است نسبت به تدوین برنامه‌های مدیریتی در سایر تالاب‌ها بر اساس مشخصات فوق اقدام نمود و در ادامه زمینه اجرای آنرا محقق ساخت. البته بدیهی است که ساختار و بخش‌بندی برنامه‌های مدیریتی می‌تواند متناسب با الگوهای ارائه شده، از چارچوب واحدی پیروی کنند ولی مسلماً محتوای برنامه‌های مدیریتی بستگی به خصوصیات تالاب مورد نظر و ویژگی‌های بوم‌شناختی و اقتصادی اجتماعی آن دارد.

تجربیات بدست آمده در خلال برنامه‌ریزی مدیریت تالاب‌های شادگان، پریشان و ارومیه با استفاده از رویکرد مدیریت زیست‌بومی حاکی از ضرورت جلب مشارکت کلیه دست‌اندرکاران/ ذینفعان تالاب در فرآیند تدوین برنامه مدیریت و اجرای آن خواهد بود. درواقع همانطور که در اصول مدیریت زیست‌بومی نیز مشخص شده ظرفیت‌سازی مشارکت ذینفعان مختلف باعث ایجاد حس مالکیت بخش‌های مختلف و آگاهی کامل از چرایی مدیریت پایدار بوم‌سازگان‌های تالابی است و لذا توسعه این تجربیات در سایر تالاب‌ها پیشنهاد می‌گردد. نتایج تدوین و اجرای این برنامه‌های مدیریتی با رویکرد مدیریت زیست‌بومی و درنظر

گرفتن نظرات و اولویت‌های ذینفعان مختلف و به‌ویژه جوامع محلی نشان می‌دهد که هرچند ممکن است اجرای این برنامه‌ها با مشکلاتی مواجه باشد ولی به هر حال همکاری بخش‌های مختلف ذیربط در مدیریت این تالاب‌ها تا حد قابل توجهی افزایش یافته است. این تجربه نشان می‌دهد که برنامه‌های مدیریتی تدوین شده و در دست اجرا برای این تالاب‌ها جنبه‌های فرابخشی و مشکلات ناشی از آنرا تا حد زیادی شناسایی و در نظر گرفته است و این درحالیست که برنامه‌های مدیریتی تالاب‌ها و یا مناطق حفاظتی که با این رویکرد تدوین نشده‌اند یا عملیاتی نشده‌اند و یا در صورت عملیاتی‌شدن بیشتر در برگیرنده مسائل داخلی منطقه و در چارچوب اقدامات و اختیارات سازمان حفاظت محیط‌زیست باقی مانده‌اند.

از دیگر مسائلی که در برنامه‌ریزی مدیریتی با رویکرد مدیریت زیست‌بومی مورد تأکید است برنامه‌ریزی برای بهره‌برداری معقول از منافع اقتصادی تالاب‌ها است. در منابع علمی همواره تالاب‌ها جزو بوم‌سازگان‌های دارای بیشترین ارزش‌های اقتصادی برشمرده می‌شوند ولی این مزیت تا زمانی که برای بهره‌برداری معقول از این منافع برنامه‌ریزی صورت نپذیرفته است تأثیری در بهبود مدیریت منطقه ندارد. اگر منافع اقتصادی تالاب‌ها به‌طور مناسب شناسایی و در حد ظرفیت‌های قابل تحمل محیط مورد بهره‌برداری خردمندانه قرار گیرند و اگر این منافع اقتصادی مطابق اصل چهارم مدیریت زیست‌بومی داخلی سازی شده و به جوامع محلی منطقه بازگردد، با ایجاد منافع مشترک بین حفاظت از منطقه و مردم بومی مشارکت‌های حفاظتی بطور خودکار افزایش یافته و بسیاری از مسائل مدیریت سنتی مناطق تالابی مرتفع خواهد شد. بنابراین در گذر از مدیریت سنتی مناطق تالابی به مدیریت زیست‌بومی باید توجه ویژه‌ای به اصل چهارم مدیریت زیست‌بومی و بویژه جزء داخلی‌سازی منافع حاصل از بوم‌سازگان‌های تالابی توجه ویژه‌ای شود.

در خاتمه مهمترین چالش‌های پیش رو در فرآیند برنامه‌ریزی مدیریتی و اجرای آنرا می‌توان همسوسازی فعالیت‌های بخشی، تامین منابع مالی اجرای برنامه، پیش‌بینی سازوکارهای مالی مشخص و متعهد ساختن نهادهای مختلف در این خصوص، زمان‌بر بودن فرآیند برنامه‌ریزی مدیریتی و جلب مشارکت جوامع محلی، برشمرده از سوی دیگر مهمترین دستاوردهای برنامه ریزی

بدین طریق شامل برنامه‌مند شدن اجرای فعالیت‌های مدیریتی در حوضه تالاب، درگیر ساختن کلیه دست اندرکاران/ ذینفعان در حفاظت و مدیریت و همچنین افزایش ضریب اطمینان تحقق مدیریت پایدار تالاب‌ها و تقویت همکاری‌های بین بخشی می باشد.

منابع

۱. اداره کل حفاظت محیط‌زیست خوزستان. ۱۳۹۰. برنامه جامع مدیریت تالاب شادگان، طرح حفاظت از تالاب‌های ایران.
۲. اداره کل حفاظت محیط‌زیست آذربایجان غربی و شرقی. برنامه مدیریت جامع دریاچه ارومیه، طرح حفاظت از تالاب‌های ایران.
۳. اداره کل حفاظت محیط‌زیست فارس. ۱۳۸۹. برنامه جامع مدیریت تالاب پریشان، طرح حفاظت از تالاب‌های ایران.
4. Moser, M., A. Lotfi. 2007. Guidelines for the Production of Management Plans for Project Demonstration Sites, Conservation of Iranian Wetlands Project.
5. Ramsar Convention on Wetlands, Managing wetlands (hand book 16), Ramsar handbooks for the wise use of wetlands, 3rd edition, 2007.
- Abbaspour, M, A., Nazaridoust. Determination of Environmental Water Requirements of Urmia Lake - , International Journal of an Ecological Approach Environmental studies, Vol.64, No.2, April 2007, 161-169